



(۱) درود خدا بر او، فرمود: در فتنه‌ها، چونان شتر دوساله باش، نه پُشتی دارد که سواری دهد، و نه پستانی تا او را بدوشند.

(۲) و درود خدا بر او، فرمود: آن که جان را با طمع ورزی بپوشاند خود را پست کرده، و آن که راز سختی‌های خود را آشکار سازد خود را خوار کرده، و آن که زبان را بر خود حاکم کند خود را بی‌ارزش کرده است.

(۳) و درود خدا بر او، فرمود: بُخل ننگ، و ترس نقصان است. و تهیدستی، مرد زیرک را در برهان گُند می‌سازد، و انسان تهیدست در شهر خویش نیز بیگانه است.

(۴) و درود خدا بر او، فرمود: ناتوانی، آفت، و شکیبایی، شجاعت، و زُهد، ثروت است و پرهیزکاری، سپرِ نگه‌دارنده است و چه همنشین خوبی است، راضی بودن و خرسندی.

(۵) و درود خدا بر او، فرمود: دانش، میراثی گرانبها، و آداب، زیورهای همیشه تازه، و اندیشه، آئینه‌ای شفاف است.

(۶) و درود خدا بر او، فرمود: سینه خردمند صندوق راز اوست، و خوشرویی وسیله دوست‌یابی، و شکیبایی، گورستان پوشاننده عیب‌هاست. و یا فرمود: پرسش کردن وسیله پوشاندن عیب‌هاست، و دشمنانِ انسان از خود راضی فراوانند.

(۷) و درود خدا بر او، فرمود: صدقه دادن دارویی مُربخش است، و کردار بندگان در دنیا، فردا در پیش روی آنان جلوه‌گر است.

(۸) و درود خدا بر او، فرمود: از ویژگی‌های انسان در شگفتی مانند، که با پاره‌ای «پی» می‌نگرد، و با «گوشت» سخن می‌گوید، و با «استخوان» می‌شنود، و از «شکافی» نفس می‌کشد!!

(۹) و درود خدا بر او، فرمود: چون دنیا به کسی روی آورد، نیکی‌های دیگران را به او عاریت دهد،



و چون از او روی برگرداند خوبی‌های او را نیز برآید.

(۱۰) و درود خدا بر او، فرمود: با مردم آن گونه معاشرت کنید، که اگر مُردید بر شما اشک ریزند، و اگر زنده ماندید، با اشتیاق سوی شما آیند.

(۱۱) و درود خدا بر او، فرمود: اگر بر دشمنت دست یافتی، بخشیدنِ او را، شکرانه پیروزی قرار ده.

(۱۲) و درود خدا بر او، فرمود: ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است، و از او ناتوان‌تر آن که دوستان خود را از دست بدهد.

(۱۳) و درود خدا بر او، فرمود: چون نشانه‌های پروردگار آشکار شد، باناسپاسی نعمت‌ها را از خود دور نسازید.

(۱۴) و درود خدا بر او، فرمود: کسی را که نزدیکانش واگذارند، بیگانه او را پذیرا می‌گردد.

(۱۵) و درود خدا بر او، فرمود: هر فریب خورده‌ای را نمی‌شود سرزنش کرد.

(۱۶) و درود خدا بر او، فرمود: کارها چنان در سیطرهٔ تقدیر است که چاره‌اندیشی به مرگ می‌انجامد.

(۱۷) (از امام پرسیدند که رسول خدا ﷺ فرمود: موها را رنگ کنید، و خود را شبیه یهود نسازید، یعنی چه؟، فرمود: پیامبر ﷺ این سخن را در روزگاری فرمود که پیروان اسلام اندک بودند، اما امروز که اسلام گسترش یافته، و نظام اسلامی استوار شده، هرکس آنچه را دوست دارد، انجام دهد.

(۱۸) و درود خدا بر او، (درباره آنان که از جنگ کناره گرفتند) فرمود: حق را خوار کرده، باطل را نیز یاری نکردند.

(۱۹) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که در پی آرزوی خویش تازد، مرگ او را از پای در آورد.

(۲۰) و درود خدا بر او، فرمود: از لغزش جوانمردان درگذرید،



زیرا جواهری نمی‌لغزد جز آن که دستِ لطف خداوند، او را بلند می‌کند.

(۲۱) و درود خدا بر او، فرمود: ترس با ناامیدی، و شرم با محرومیت همراه است، و فرصت‌ها چون ابرها می‌گذرند، پس فرصت‌های نیک را غنیمت شمارید.

(۲۲) درود خدا بر او، فرمود: ما را حقی است اگر به ما داده شود، و گرنه بر پشت شتران سوار شویم و برای گرفتن آن برانیم هرچند راه رفتن ما در شب به طول انجامد. (این از سخنان لطیف و فصیح است، یعنی اگر حق ما را ندادند، خوار خواهیم شد و باید بر ترک شتر سوار چون بنشینیم.)

(۲۳) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که کردارش او را به جایی نرساند، افتخارات خاندانش او را به جایی نخواهد رساند.

(۲۴) و درود خدا بر او، فرمود: از کفاره گناهان بزرگ است، به فریاد مردم رسیدن و آرام کردن مصیبت دیدگان.

(۲۵) و درود خدا بر او، فرمود: ای فرزند آدم! زمانی که می‌بینی خداوند انواع نعمت‌ها را به تو می‌رساند، در حالی که تو معصیت کاری، بترس.

(۲۶) و درود خدا بر او، فرمود: کسی چیزی را در دل پنهان نکرد، جز آن که در لغزش‌های زبان و رنگ رخسارش، آشکار خواهد شد.

(۲۷) و درود خدا بر او، فرمود: با درد خود بساز، چندان که با تو سازگار است.

(۲۸) و درود خدا بر او، فرمود: برترین زهد، پنهان داشتن زهد است!

(۲۹) و درود خدا بر او، فرمود: هنگامی که تو زندگی را پشت سر می‌گذاری، مرگ به تو روی می‌آورد، پس دیدار با مرگ چه زود خواهد بود.

(۳۰) و درود خدا بر او، فرمود: هشدار! هشدار! به خدا سوگند! خداوند چنان پرده‌پوشی کرده که می‌پنداری تو را بخشیده است!



(۳۱) و درود خدا بر او، فرمود: (از ایمان پرسیدند، جواب داد:) ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد.

صبر نیز بر چهار پایه قرار دارد: شوق، هراس، زهد و انتظار. آن کس که اشتیاق بهشت دارد، شهوت‌هایش کاستی گیرد، و آن کس که از آتش جهنم می‌ترسد، از حرام دوری می‌گزیند، و آن کس که در دنیا زهد می‌ورزد، مصیبت‌ها را ساده پندارد، و آن کس که مرگ را انتظار می‌کشد در نیکی‌ها شتاب می‌کند. یقین نیز بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه واقعیت‌ها، پند گرفتن از حوادث روزگار، و پیمودن راه درست پیشینیان. پس آن کس که هوشمندانه به واقعیت‌ها نگریست، حکمت را آشکارا می‌بیند و آن که حکمت را آشکارا دید، عبرت آموزی را شناسد، و آن که عبرت آموزی شناخت گویا چنان است که با گذشتگان می‌زیسته است. و عدل نیز بر چهار پایه برقرار است: فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو داوری کردن و استوار بودن در شکیبایی. پس کسی که درست اندیشید به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید، و کسی که شکیبا شد، در کارش زیاده‌روی نکرده، و با نیک‌نامی در میان مردم زندگی خواهد کرد و جهاد نیز بر چهار پایه استوار است: امر به معروف، نهی از منکر، راستگویی در هر حال، و دشمنی با فاسقان. پس هر کس به معروف امر کرد، پشتوانه نیرومند مؤمنان است، و آن کس که از زشتی‌ها نهی کرد، بینی منافقان را به خاک مالید، و آن کس که در میدان نبرد صادقانه پایداری کند حق را که بر گردن او بوده ادا کرده است، و کسی که با فاسقان دشمنی کند و برای خدا خشم گیرد، خدا هم به خاطر او به خشم می‌آید، و روز قیامت او را خشنود سازد. و کفر بر چهار ستون پایدار است: کنجکاو دروغین، ستیزه‌جویی و جدل، انحراف از حق، و دشمنی کردن. پس آن کس که دنبال توهم و



کنجکاوی دروغین رفت به حق نرسید. و آن کس که به ستیزه‌جویی و نزاع پرداخت از دیدن حق نابینا شد، و آن کس که از راه حق منحرف گردید، نیکویی را زشت، و زشتی را نیکویی پنداشت و سرمست گمراهی‌ها گشت، و آن کس که دشمنی ورزید پیمودن راه حق بر او دشوار و کارش سخت، و نجات او از مشکلات دشوار است. و شک چهار بخش دارد: جدال در گفتار، ترسیدن، دودل بودن، و تسلیم حوادث روزگار شدن. پس آن کس که جدال و نزاع را عادت خود قرار داد، شب تارش به صبح نمی‌رسد (از تاریکی شبهات بیرون نخواهد آمد)، و آن کس که از هر چیزی ترسید همواره در حال عقب‌نشینی است، و آن کس که در تردید و دو دلی باشد، زیر پای شیطان کوبیده خواهد شد، و آن کس که تسلیم حوادث گردد و به تباهی دنیا و آخرت گردن نهد، هر دو جهان را از کف خواهد داد.

(سخن امام علیؑ طولانی است، چون در این فصل، حکمت‌های کوتاه را جمع آوری می‌کنم از آوردن دنباله سخن خودداری کردم.)

(۳۲) و درود خدا بر او، فرمود: نیکوکار، از کار نیک بهتر و بدکار از کار بد بدتر است.

(۳۳) و درود خدا بر او، فرمود: بخشنده باش اما زیاده‌روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت‌گیر مباش.

(۳۴) و درود خدا بر او، فرمود: بهترین بی‌نیازی، ترك آرزوهاست.

(۳۵) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که در انجام کاری که مردم خوش ندارند، شتاب کند، درباره او چیزی خواهند گفت که از آن اطلاعی ندارند.

(۳۶) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که آرزوهایش طولانی است، کردارش نیز ناپسند است.

(۳۷) و درود خدا بر او، فرمود: (در سر راه صفین دهقانان شهر انبار تا امام را دیدند پیاده شده، و پیشاپیش آن حضرت می‌دویدند. فرمود: چرا چنین می‌کنید؟ گفتند: عادت است که پادشاهان خود را احترام می‌کردیم، فرمود: به خدا سوگند! که امیران شما از این کار سودی نبردند، و شما در دنیا با آن خود را



به زحمت می‌افکنید و در آخرت دچار رنج و زحمت می‌گردید، و چه زیانبار است رنجی که عذاب در پی آن باشد، و چه سودمند است آسایشی که با آن، امان از آتش جهنم باشد.

(۳۸) به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: پسر! چهار چیز از من یادگیر (در خوبی‌ها)، و چهار چیز به خاطر بسپار (هشدارها)، که تا به آنها عمل می‌کنی زیان نبینی:

۱- همانا ارزشمندترین بی‌نیازی عقل است، ۲- و بزرگ‌ترین فقر بی‌خردی است، ۳- و ترسناک‌ترین تنهایی خودپسندی است ۴- و گرامی‌ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست. ۱- پسر! از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیان می‌کند. ۲- از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می‌دارد. ۳- و از دوستی با بدکار بپرهیز، که با اندک بهایی تو را می‌فروشد. ۴- و از دوستی با دروغگو بپرهیز، که او به سراب ماند، دور را به تو نزدیک، و نزدیک را دور می‌نماید.

(۳۹) و درود خدا بر او، فرمود: عمل مستحب انسان را به خدا نزدیک نمی‌گرداند، اگر به واجب زیان رساند.

(۴۰) و درود خدا بر او، فرمود: زبان عاقل در پشت قلب اوست، و قلب احمق در پشت زبانش قرار دارد. (این از سخنان ارزشمند و شگفتی‌آور است، که عاقل زبانش را بدون مشورت و فکر و سنجش رها نمی‌سازد، اما احمق هرچه بر زبانش آید می‌گوید بدون فکر و دقت، پس زبان عاقل از قلب او و قلب احمق از زبان او فرمان می‌گیرد). (حکمت ۴۰ بگونه دیگری نیز نقل شده است).

(۴۱) و درود خدا بر او، فرمود: قلب احمق در دهان او، و زبان عاقل در قلب او قرار دارد.

(۴۲) و به یکی از یارانش که بیمار بود، فرمود: خدا آنچه را که از آن شکایت داری (بیماری) موجب کاستن گناهانت قرار داد، در بیماری پاداشی نیست اما گناهان را



از بین می‌برد، و آنها را چونان برگ پاییزی می‌ریزد، و همانا پاداش در گفتار به زبان، و کردار با دست‌ها و قدم‌هاست، و خدای سبحان به خاطر نیت راست، و درون پاك، هرکس از بندگان را که بخواهد وارد بهشت خواهد کرد. می‌گوییم: (راست گفت امام علی «درود خدا بر او باد» که بیماری پاداشی ندارد، بیماری از چیزهایی است که استحقاق عَوْض دارد، و عَوْض در برابر رفتار خداوند بزرگ است نسبت به بنده خود، در ناملایمات زندگی و بیماری‌ها و همانند آنها، اما اجر و پاداش در برابر کاری است که بنده انجام می‌دهد. پس بین این دو تفاوت است که امام عَلِيُّهٔ السَّلَام آن را با علم نافذ و رأی رسای خود، بیان فرمود.)

(۴۳) در یاد یکی از یاران، «خَبَاب بن آرت» فرمود: خدا خَبَاب بن آرت را رحمت کند، با رغبت مسلمان شد، و از روی فرمانبرداری هجرت کرد، و با قناعت زندگی گذراند، و از خدا راضی بود، و مجاهد زندگی کرد.

(۴۴) و درود خدا بر او، فرمود: خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد، برای حسابرسی قیامت کار کند، با قناعت زندگی کند، و از خدا راضی باشد.

(۴۵) و درود خدا بر او، فرمود: اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که دشمن من شود، با من دشمنی نخواهد کرد، و اگر تمام دنیا را به منافق ببخشم تا مرا دوست بدارد، دوست من نخواهد شد، و این بدان جهت است که قضای الهی جاری شد، و بر زبان پیامبر اُمّی ﷺ گذشت که فرمود: «ای علی! مؤمن تو را دشمن نگیرد، و منافق تو را دوست نخواهد داشت.»

(۴۶) و درود خدا بر او، فرمود: گناهی که تو را پشیمان کند، بهتر از کار نیکی است که تو را به خودپسندی وا دارد.

(۴۷) درود خدا بر او، فرمود: ارزش مرد به اندازه همت اوست، و راستگویی او به میزان جواهردهی‌اش، و شجاعت او به قدر ننگی است که احساس می‌کند، و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست.



- (۴۸) و درود خدا بر او، فرمود: پیروزی در دوراندیشی، و دوراندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه، و اندیشه صحیح به رازداری است.
- (۴۹) و درود خدا بر او، فرمود: از یورش بزرگوار به هنگام گرسنگی و از تهاجم انسان پست به هنگام سیری، بپرهیز.
- (۵۰) و درود خدا بر او، فرمود: دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوشرویی کند.
- (۵۱) و درود خدا بر او، فرمود: عیب تو تا آنگاه که روزگار با تو هماهنگ باشد، پنهان است.
- (۵۲) و درود خدا بر او، فرمود: سزاوارترین مردم به عفو کردن، تواناترینشان به هنگام کیفر دادن است.
- (۵۳) و درود خدا بر او، فرمود: سخاوت آن است که تو آغاز کنی، زیرا آنچه با درخواست داده می‌شود یا از روی شرم و یا از بیم شنیدن سخن ناپسند است.
- (۵۴) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست. هیچ ارثی چون ادب، و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست.
- (۵۵) و درود خدا بر او، فرمود: شکیبایی دوگونه است: شکیبایی بر آنچه خوش نداری و شکیبایی در آنچه دوست داری.
- (۵۶) و درود خدا بر او، فرمود: ثروتمندی در غربت، مانند در وطن بودن است و تهیدستی در وطن، غربت است.
- (۵۷) و درود خدا بر او، فرمود: قناعت، ثروتی است پایان ناپذیر. (این سخن از رسول خدا ﷺ نیز نقل شده است).
- (۵۸) و درود خدا بر او، فرمود: ثروت، ریشه شهوت‌هاست.
- (۵۹) و درود خدا بر او، فرمود: آن کسی که تو را هشدار داد، مانند کسی است که تو را مژده داد.
- (۶۰) و درود خدا بر او، فرمود: زبان تربیت نشده، دُرنده‌ای است که اگر رهایش کنی می‌گزد!
- (۶۱) و درود خدا بر او، فرمود: نیش زن شیرین است.
- (۶۲) و درود خدا بر او، فرمود: چون تو را ستودند، بهتر از آنان ستایش کن، و چون به تو احسان کردند،



بیشتر از آن ببخش. به هر حال پاداشِ بیشتر، از آن آغاز کننده است.
(۶۳) و درود خدا بر او، فرمود: شفاعت کننده چونان پَر و بال درخواست کننده است.

(۶۴) و درود خدا بر او، فرمود: اهل دنیا سوارانی در خواب مانده‌اند که آنان را می‌رانند.

(۶۵) و درود خدا بر او، فرمود: از دست دادن دوستان، غربت است.
(۶۶) و درود خدا بر او، فرمود: از دست دادن حاجت، بهتر از درخواست کردن از نااهل است.

(۶۷) و درود خدا بر او، فرمود: از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن، از آن کمتر است.

(۶۸) و درود خدا بر او، فرمود: عفت ورزیدن زینت فقر، و شکرگزاری زینت بی‌نیازی است.

(۶۹) و درود خدا بر او، فرمود: اگر به آنچه که می‌خواستی نرسیدی، از آنچه هستی نگران مباش.

(۷۰) و درود خدا بر او، فرمود: نادان را یا تُندرو یا گُندرو می‌بینی.

(۷۱) و درود خدا بر او، فرمود: چون عقل کامل گردد، سخن اندک شود.

(۷۲) و درود خدا بر او، فرمود: دنیا بدن‌ها را فرسوده، و آرزوها را تازه می‌کند، مرگ را نزدیک و خواسته‌ها را دور و دراز می‌سازد، کسی که به آن دست یافت خسته می‌شود، و آن که به دنیا نرسید رنج می‌برد.

(۷۳) درود خدا بر او، فرمود: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.
(۷۴) و درود خدا بر او، فرمود: انسان با نَفْسِی که می‌کشد، قدمی به سوی مرگ می‌رود.

(۷۵) و درود خدا بر او، فرمود: هر چیز که شمردنی است، پایان می‌پذیرد و هرچه را که انتظار می‌کشیدی، خواهد رسید.

(۷۶) و درود خدا بر او، فرمود: حوادث اگر مانند یکدیگر بودند، آخرین را با آغازین مقایسه و ارزیابی می‌کنند.



حکمت‌ها

(۷۷) (ضرار بن ضمره ضبابی، از یاران امام علی^{علیه السلام} به شام رفت، بر معاویه وارد شد. معاویه از او خواست از حالات امام بگوید، گفت: علی^{علیه السلام} را در حالی دیدم که شب، پرده‌های خود را افکنده بود، و او در محراب ایستاده، محاسن را به دست گرفته، چون مار گزیده به خود می‌پیچید، و محزون می‌گریست و می‌گفت: ای دنیا!! ای دنیای حرام! از من دور شو، آیا برای من خودنمایی می‌کنی؟ یا شیفته من شده‌ای تا روزی در دل من جای گیری؟ هرگز مباد! غیر مرا بفریب، که مرا در تو هیچ نیازی نیست، تو را سه طلاقه کرده‌ام، تا بازگشتی نباشد، دوران زندگانی تو کوتاه، ارزش تو اندک، و آرزوی تو پست است. آه از توشه اندک، و درازی راه، و دوری منزل، و عظمت روز قیامت!.

(۷۸) و در جواب مردی شامی فرمود: (مرد شامی پرسید: آیا رفتن ما به شام، به قضا و قدر الهی است؟. امام علی^{علیه السلام} با کلمات طولانی پاسخ او را داد که برخی از آن را برگزیدیم: وای بر تو! شاید قضاء لازم و قدر حتمی را گمان کرده‌ای؟ اگر چنین بود، پاداش و کیفر، بشارت و تهدید الهی، بیهوده بود! خداوند سبحان! بندگان خود را فرمان داد در حالی که اختیار دارند، و نهی فرمود تا بترسند، احکام آسانی را واجب کرد، و چیز دشواری را تکلیف نفرمود، و پاداش اعمال اندک را فراوان قرار داد، با نافرمانی بندگان مغلوب نخواهد شد، و با اکراه و اجبار اطاعت نمی‌شود، و پیامبران را به شوخی نفرستاد، و فرو فرستادن کُتب آسمانی برای بندگان بیهوده نبود، و آسمان و زمین و آنچه را در میانشان است بی هدف نیافرید. این پندار کسانی است که کافر شدند و وای از آتشی که بر کافران است.

(۷۹) و درود خدا بر او، فرمود: حکمت را هر کجا که باشد، فراگیر، گاهی حکمت در سینه منافق است و بی‌تابی کند تا بیرون آمده و با همدمانش در سینه مؤمن آرام گیرد.



(۸۰) و درود خدا بر او، فرمود: حکمت گمشده مؤمن است، حکمت را فراگیر، هرچند از منافقان باشد.

(۸۱) و درود خدا بر او، فرمود: ارزش هرکس به مقدار دانایی و تخصص اوست. (این از کلماتی است که قیمتی برای آن تصوّر نمی‌شود، و هیچ حکمتی هم سنگ آن نبوده و هیچ سخنی، والایی آن را ندارد).

(۸۲) و درود خدا بر او، فرمود: شما را به پنج چیز سفارش می‌کنم که اگر برای آنها شتران را پرشتاب برانید و رنج سفر را تحمّل کنید سزاوار است: کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد، و جز از گناه خود نترسد، و اگر از یکی سؤال کردند و نمی‌داند، شرم نکند و بگوید نمی‌دانم، و کسی در آموختن آنچه نمی‌داند شرم نکند، و بر شما باد به شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی‌سر، ارزشی ندارد.

(۸۳) و درود خدا بر او، (به شخصی که در ستایش امام افراط کرد، و آنچه در دل داشت نگفت)، فرمود: من کمتر از آنم که بر زبان آوردی، و برتر از آنم که در دل داری.

(۸۴) و درود خدا بر او، فرمود: باقیمانندگان شمشیر و جنگ، شماره‌شان با دوام‌تر، و فرزندان‌شان بیشتر است.

(۸۵) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که از گفتن «نمی‌دانم» روی گردان است، به هلاکت و نابودی می‌رسد.

(۸۶) و درود خدا بر او، فرمود: اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است. (و نقل شده که تجربه پیران از آمادگی رزمی جوانان برتر است).

(۸۷) و درود خدا بر او، فرمود: در شگفتم از کسی که می‌تواند استغفار کند و ناامید است.

(۸۸) (امام باقر علیه السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل فرمود): دو چیز در زمین مایه امان از عذاب خدا بود: یکی از آن دو برداشته شد، پس



دیگری را دریابید و بدان چنگ زنید، اما امانی که برداشته شد رسول خدا ﷺ بود، و امان باقیمانده، استغفار کردن است، که خدای بزرگ به رسول خدا ﷺ فرمود: «خدا آنان را عذاب نمی‌کند، در حالی که تو در میان آنانی و عذابشان نمی‌کند تا آن هنگام که استغفار می‌کنند.» (این روش استخراج، نیکوترین لطایف معنی و ظرافت سخن، از آیات قرآن است.)

(۸۹) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد، و کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد، و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است.

(۹۰) و درود خدا بر او، فرمود: فقیه کامل کسی است که مردم را از آمرزش خدا مأیوس، و از مهربانی او نومید نکند، و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد.

(۹۱) و درود خدا بر او، فرمود: همانا این دل‌ها همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند، پس برای شادابی دل‌ها، سخنان زیبای حکمت‌آمیز را بجوید.

(۹۲) و درود خدا بر او، فرمود: بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است، و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است.

(۹۳) و درود خدا بر او، فرمود: فردی از شما نگوید: «خدایا از فتنه به تو پناه می‌برم»، زیرا کسی نیست که در فتنه‌ای نباشد، لکن آن که می‌خواهد به خدا پناه برد، از آزمایش‌های گمراه کننده پناه ببرد؛ همانا خدای سبحان می‌فرماید: «بدانید که اموال و فرزندان شما فتنه شمایند.» معنی این آیه آن است که خدا انسان‌ها را با اموال و فرزندان‌شان می‌آزماید، تا آن کس که از روزی خود ناخشنود، و آن که خرسند است، شناخته شوند، گرچه خداوند به احوال‌شان از خودشان آگاه‌تر است، تا کرداری که



استحقاق پاداش یا کیفر دارد را آشکار نماید، چه آن که بعضی مردم فرزند پسر را دوست دارند و فرزند دختر را نمی‌پسندند، و بعضی دیگر فراوانی اموال را دوست دارند و از کاهش سرمایه نگرانند. «می‌گوییم: و این از تفاسیر عمیق و پیچیده‌ای است که از آن حضرت شنیده شده است.»

(۹۴) (از امام پرسیدند: «خیر» چیست؟. فرمود:) خوبی آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود، بلکه خیر آن است که دانش تو فراوان، و بردباری تو بزرگ و گران‌مقدار باشد، و در پرستش پروردگار در میان مردم سرفراز باشی، پس اگر کار نیکی انجام دهی شکر خدا به‌جا آوری، و اگر بد کردی از خدا آمرزش خواهی. در دنیا جز برای دو کس خیر نیست؛ یکی گناهکاری که با توبه جبران کند، و دیگر نیکوکاری که در کارهای نیکو شتاب ورزد.

(۹۵) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ کاری با تقوا اندک نیست، و چگونه اندک است آنچه که پذیرفته شود؟.

(۹۶) و درود خدا بر او، فرمود: نزدیک‌ترین مردم به پیامبران، داناترین آنان است به آنچه که آورده‌اند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «همانا نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم آنانند که پیرو او گردیدند، و مؤمنانی که به این پیامبر خاتم پیوستند.» (سپس فرمود:) دوست محمد ﷺ کسی است که خدا را اطاعت کند هرچند پیوند خویشاوندی او دور باشد، و دشمن محمد ﷺ کسی است که خدا را نافرمانی کند، هر چند خویشاوند نزدیک او باشد.

(۹۷) و درود خدا بر او، (صدای مردی از اهالی حروراء را شنید که نماز شب می‌خواند و قرآن تلاوت می‌کرد؛) فرمود: خوابیدن همراه با یقین، برتر از نماز گزاردن با شك و تردید است.

(۹۸) و درود خدا بر او، فرمود: چون روایتی را شنیدید، آن را بفهمید و عمل کنید، نه بشنوید و نقل کنید، زیرا راویان علم فراوان، و عمل کنندگان آن اندکند.

(۹۹) و درود خدا بر او، (شنید که شخصی گفت: اَنَا لِلَّهِ و اَنَا اليه راجعون) ، فرمود: این سخن ما که می‌گوییم؛ «ما همه از آن خداييم» اقراری است به بندگی، و اینکه می‌گوییم؛ «بازگشت ما به سوی او است»،



اعترافی است به نابودی خویش.

(۱۰۰) (آنگاه که گروهی او را ستایش کردند، فرمود:) بار خدایا! تو مرا از خودم بهتر می‌شناسی، و من خود را بیشتر از آنان می‌شناسم؛ خدایا! مرا از آنچه اینان می‌پندارند، نیکوتر قرار ده و آنچه را که نمی‌دانند بیامرز.

(۱۰۱) و درود خدا بر او، فرمود: برآوردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز: کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود، و شتاب در برآوردن آن، تا گوارا باشد.

(۱۰۲) و درود خدا بر او، فرمود: روزگاری بر مردم خواهد آمد که محترم نشمارند جز سخن چین را، و خوششان نیاید جز از بدکار هرزه، و ناتوان نگردد جز عادل. در آن روزگار کمک به نیازمندان خسارت، و پیوند با خویشاوندان منت‌گذاری، و عبادت نوعی برتری طلبی بر مردم است، در آن زمان، حکومت با مشورت زنان و فرماندهی خردسالان و تدبیر خواجگان اداره می‌گردد.

(۱۰۳) (پیراهن وصله‌داری بر اندام امام بود، شخصی پرسید: چرا پیراهن وصله‌دار می‌پوشی؟) درود و خدا بر او، فرمود: دل با آن فروتن و نفس رام می‌شود و مؤمنان از آن سرمشق می‌گیرند. دنیای حرام و آخرت، دو دشمن متفاوت، و دو راه جدای از یکدیگرند، پس کسی که دنیا پرست باشد و به آن عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد. و آن دو همانند شرق و غرب از هم دورند، و رونده به سوی آن دو، هرگاه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می‌گردد، و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند.

(۱۰۴) (از نوف بگالی نقل شد: در یکی از شب‌ها، امام علی علیه السلام را دیدم که برای عبادت از بستر برخاست، نگاهی به ستارگان افکند، و به من فرمود: خوابی یا



بیدار؟ گفتیم: بیدارم. امام علیه السلام فرمود: ای نوف! خوشا به حال آنان که از دنیای حرام چشم پوشیدند، و دل به آخرت بستند؛ آنان مردمی هستند که زمین را تخت، خاک را بستر، آب را عطر، و قرآن را پوشش زیرین، و دعا را لباس روئین خود قرار دادند، و با روش عیسی مسیح علیه السلام با دنیا برخورد کردند. ای نوف! همانا داوود پیامبر (که درود خدا بر او باد) در چنین ساعتی از شب برمی‌خاست، و می‌گفت: «این ساعتی است که دعای هر بنده‌ای به اجابت می‌رسد، جز باج‌گیران، جاسوسان، شبگردان و نیروهای انتظامی حکومت ستمگر، یا نوازنده طنبور و طبل». و گفته‌اند: عَرَطَبَه، طبل است و کَوْبَه، طنبور.

(۱۰۵) و درود خدا بر او، فرمود: همانا خدا واجباتی را بر شما لازم شمرده، آنها را تباه نکنید، و حدودی برای شما معین فرموده، اما از آنها تجاوز نکنید. و از چیزهایی نهی فرمود، حرمت آنها را نگاه دارید، و نسبت به چیزهایی سکوت فرمود، اما نه از روی فراموشی، پس خود را درباره آنها به رنج و زحمت دچار نسازید.

(۱۰۶) و درود خدا بر او، فرمود: مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترك نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار خواهد ساخت.

(۱۰۷) و درود خدا بر او، فرمود: چه بسا دانشمندی که جهلش او را از پای در آورَد، در حالی که دانش او همراهش باشد، اما سودی به حال او نداشته باشد.

(۱۰۸) و درود خدا بر او، فرمود: به رگ‌های درونی انسان پاره گوشتی آویخته که شگرف‌ترین اعضای درونی اوست، و آن قلب است، که چیزهایی از حکمت، و چیزهایی متفاوت با آن، در او وجود دارد. پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند، و اگر طمع بر آن هجوم آورد، حرص آن را تباه سازد، و اگر ناامیدی بر آن چیره شود، تأسّف خوردن آن را از پای درآورد، اگر خشمناك شود کینه توزی آن فزونی یابد و آرام نگیرد، اگر به خشنودی دست یابد، خویشتن داری را از یاد برد، و اگر



ترس آن را فرا گیرد، پرهیز کردن آن را مشغول سازد. و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت زدگی شود، و اگر مالی به دست آورد، بی‌نیازی آن را به سرکشی کشاند، و اگر مصیبت ناگواری به آن رسد، بی‌صبری رسوایش کند، و اگر به تهیدستی مبتلا گردد، بلاها او را مشغول سازد، و اگر گرسنگی بی‌تابش کند، ناتوانی آن را از پای درآورد، و اگر زیادی سیر شود، سیری آن را زیان رساند، پس هر گونه کُندروی برای آن زیانبار، و هرگونه تَندروی برای آن فساد آفرین است.

(۱۰۹) و درود خدا بر او، فرمود: ما تکیه‌گاه میانه‌ایم، عقب ماندگان به ما می‌رسند، و پیش تاختگان به ما باز می‌گردند.

(۱۱۰) و درود خدا بر او، فرمود: فرمان خدا را بر پا ندارد، جز آن کس که در اجرای حق مدارا نکند، سازشکار نباشد، و پیرو آرزوها نگردد.

(۱۱۱) (پس از بازگشت از جنگ صفین، یکی از یاران دوست داشتنی امام، سهل ابن حنّیف از دنیا رفت.) و درود خدا بر او، فرمود: اگر کوهی مرا دوست بدارد، درهم فرو می‌ریزد. (یعنی مصیبت‌ها به سرعت به سراغ او آید، که این سرنوشت در انتظار پرهیزکاران و برگزیدگان خداست. همانند آن، در حکمت ۱۱۲ آمده است.)

(۱۱۲) و درود خدا بر او، فرمود: هرکس ما اهل بیت پیامبر ﷺ را دوست بدارد، پس باید فقر را چونان لباس رویین بپذیرد. (یعنی آماده انواع محرومیت‌ها باشد.) «این کلمات را به معانی دیگری تفسیر می‌کنند که اینجا جای ذکر آن نیست.»

(۱۱۳) و درود خدا بر او، فرمود: سرمایه‌ای سودمندتر از عقل نیست، و تنهایی ترسناک‌تر از خودبینی، و عقلی چون دوراندیشی، و بزرگواری چون تقوا، و همنشینی چون اخلاق خوش، و میراثی چون ادب، و رهبری چون توفیق الهی، و تجارتی چون عمل صالح، و سودی چون پاداش الهی، و پارسایی چون



پرهیز از سُبهات، و زُهدی چون بی‌اعتنایی به دنیای حرام، و دانشی چون اندیشیدن، و عبادتی چون انجام واجبات، و ایمانی چون حیاء و صبر، و خویشاوندی چون فروتنی، و شرافتی چون دانش، و عزّتی چون بردباری، و پشتیبانی مطمئن تر از مشورت کردن، نیست.

(۱۱۴) و درود خدا بر او، فرمود: هرگاه نیکوکاری بر روزگار و مردم آن غالب آید، اگر کسی به دیگری گمان بد برد، در حالی که از او عمل زشتی آشکار نشده، ستمکار است، و اگر بدی بر زمانه و مردم آن غالب شود، و کسی به دیگری خوش گمان باشد، خود را فریب داد.

(۱۱۵) (شخصی از امام علیؑ پرسید: حال شما چگونه است؟ حضرت فرمود:) چگونه خواهد بود حال کسی که در بقای خود ناپایدار، و در سلامتی بیمار است، و در آنجا که آسایش دارد، مرگ او فرا می‌رسد!

(۱۱۶) و درود خدا بر او، فرمود: چه بسا کسی که با نعمت‌هایی که به او رسیده، به دام افتد، و با پرده پوشی بر گناه، فریب خورد، و با ستایش شدن، آزمایش گردد؛ و خدا هیچ کس را همانند مهلت دادن، نیازمود.

(۱۱۷) و درود خدا بر او، فرمود: دو تن به خاطر من به هلاکت رسیدند: دوست افراط کننده و دشمن دشنام دهنده.

(۱۱۸) و درود خدا بر او، فرمود: از دست دادن فرصت، باعث اندوه می‌شود.

(۱۱۹) و درود خدا بر او، فرمود: دنیای حرام چون مار سمّی است، پوست آن نرم ولی سمّ کشنده در درون دارد، نادان فریب خورده به آن می‌گراید، و هوشمند عاقل از آن دوری گزیند.

(۱۲۰) (از قریش پرسیدند) و درود خدا بر او، فرمود: اَمّا بنی مخزوم، کُل خوشبوی قریشند، که شنیدن سخن مردانشان، و ازدواج با زنانشان را دوست داریم؛ اَمّا بنی عبد شمس دوراندیش تر، و در حمایت مال و فرزند توانمندترند که به همین جهت بد اندیش‌تر و بخیل‌تر می‌باشند، و اَمّا ما (بنی هاشم) آنچه در دست داریم



بخشنده‌تر، و برای جانبازی در راه دین سخاوتمندتریم. آنها شمارشان بیشتر اما فریبکارتر و زشت روی‌ترند، و ما گویاتر و خیرخواه‌تر و خوش‌روی‌تریم.

(۱۲۱) و درود خدا بر او، فرمود: چقدر فاصله بین دو عمل دور است: عملی که لذتش می‌رود و کیفر آن می‌ماند، و عملی که رنج آن می‌گذرد و پاداش آن ماندگار است!

(۱۲۲) و درود خدا بر او، (در پی جنازه‌ای می‌رفت و شنید که مردی می‌خندد)، فرمود: گویی مرگ بر غیر ما نوشته شده و حق جز بر ما واجب گردید، و گویا این مردگان مسافرانی هستند که به زودی باز می‌گردند، در حالی که بدن‌هایشان را به گورها می‌سپاریم، و میراثشان را می‌خوریم. گویا ما پس از مرگ آنان، جاودانه‌ایم! آیا چنین است، که اندرز هر پنددهنده‌ای از زن و مرد را فراموش می‌کنیم و خود را نشانه تیرهای بلا و آفات قرار دادیم؟.

(۱۲۳) و درود خدا بر او، فرمود: خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می‌شمارد، و کسب و کار او پاکیزه است، و جانش پاک، و اخلاقش نیکوست، که مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می‌کند، و زبان را از زیاده‌گویی باز می‌دارد و آزار او به مردم نمی‌رسد، و سنت پیامبر ﷺ او را کفایت کرده، بدعتی در دین خدا نمی‌گذارد. (برخی حکمت ۱۲۳ و ۱۲۲ را از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند).

(۱۲۴) و درود خدا بر او، فرمود: غیرت زن، کفر آور، و غیرت مرد نشانه ایمان اوست.

(۱۲۵) و درود خدا بر او، فرمود: اسلام را چنان می‌شناسانم که پیش از من کسی آن گونه معرفی نکرده باشد. اسلام همان تسلیم در برابر خدا و تسلیم، همان یقین داشتن و یقین، اعتقاد راستین و باور راستین، همان اقرار درست و اقرار درست، انجام مسئولیت‌ها، و انجام مسئولیت‌ها، همان عمل کردن به احکام دین است.

(۱۲۶) و درود خدا بر او، فرمود: در شگفتم از بخیل، به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد،



و سرمایه‌ای را از دست می‌دهد که برای آن تلاش می‌کند. در دنیا چون تهیدستان زندگی می‌کند، اما در آخرت چون سرمایه‌داران محاکمه می‌شود. و در شگفتم از متکبری که دیروز نطفه‌ای بی‌ارزش، و فردا مرداری گندیده خواهد بود و در شگفتم از آن کس که آفرینش پدیده‌ها را می‌نگرد و در وجود خدا تردید دارد! و در شگفتم از آن کس که مردگان را می‌بیند و مرگ را از یاد برده است، و در شگفتم از آن کس که پیدایش دوباره را انکار می‌کند در حالی که پیدایش آغازین را می‌نگرد، و در شگفتم از آن کس که خانه نابود شدنی را آباد می‌کند، اما جایگاه همیشگی را از یاد برده است.

(۱۲۷) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که در عمل کوتاهی کند، دچار اندوه گردد و آن را که از مال و جانش بهره‌ای در راه خدا نباشد، خدا را به او نیازی نیست.

(۱۲۸) و درود خدا بر او، فرمود: در آغاز سرما خود را بپوشانید، و در پایانش آن را دریابید، زیرا با بدن‌ها همان می‌کند که با برگ درختان خواهد کرد: آغازش می‌سوزاند، و پایانش می‌رویاند.

(۱۲۹) و درود خدا بر او، فرمود: بزرگی پروردگار نزد تو، پدیده‌ها را در چشم‌ت کوچک می‌نمایاند.

(۱۳۰) (امام علی علیه السلام) وقتی از جنگ صفین برگشت و به قبرستان پشت دروازه کوفه رسید، رو به مردگان کرد، فرمود: ای ساکنان خانه‌های وحشت‌زا و محله‌های خالی و گورهای تاریک! ای خفتگان در خاک! ای غریبان! ای تنها شدگان! ای وحشت‌زدگان! شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم، و به شما خواهیم رسید. اما خانه‌هایتان! دیگران در آن سکونت گزیدند؛ و اما زنان‌تان! با دیگران ازدواج کردند؛ و اما اموال شما! در میان دیگران تقسیم شد! این خبری است که ما داریم، حال شما چه خبر دارید؟ (سپس به اصحاب خود رو کرد و فرمود:) بدانید که اگر اجازه سخن گفتن داشتند، شما را خبر می‌دادند «که بهترین توشه، تقوا است».

(۱۳۱) و درود خدا بر او، (شنید مردی دنیا را نکوهش می‌کند) فرمود: ای نکوهش‌کننده دنیا! که خود به غرور دنیا





مغروری و با باطل‌های آن فریب خوردی! خود فریفته دنیایی و آن را نکوهش می‌کنی؟ آیا تو در دنیا جرمی مرتکب شده‌ای؟ یا دنیا به تو جرم کرده است؟ کی دنیا تو را سرگردان کرد؟ و در چه زمانی تو را فریب داد؟ آیا با گورهای پدرانت که پوسیده‌اند؟ (تو را فریب داد) یا آرامگاه مادرانت که در زیر خاک آرمیده‌اند؟ آیا با دو دست خویش بیماران را درمان کرده‌ای؟ و آنان را پرستاری کرده، در بسترشان خوابانده‌ای؟ درخواست شفای آنان را کرده، و از طبیبان داروی آنها را تقاضا کرده‌ای؟ در آن صبحگاهان که داروی تو به حال آنان سودی نداشت، و گریه تو فایده‌ای نکرد، و ترس تو آنان را سودی نرساند، و آنچه می‌خواستی به دست نیاوردی، و با نیروی خود نتوانستی مرگ را از آنان دور کنی. دنیا برای تو حال آنان را مثال زد، و با گورهایشان، گور خودت را به رخ تو کشید. همانا دنیا، سرای راستی برای راست گویان، و خانه تندرستی برای دنیا شناسان، و خانه بی‌نیازی برای توشه‌گیران، و خانه پند، برای پندآموزان است. دنیا سجده‌گاه دوستان خدا، جای نماز فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا، و جایگاه تجارت دوستان خداست، که در آن رحمت خدا را به دست آوردند، و بهشت را سود بردند. چه کسی دنیا را نکوهش می‌کند؟ و جدا شدنش را اعلام داشته، و فریاد زد که ماندگار نیست، و از نابودی خود و اهلش خبر داده است؟ و حال آن که (دنیا) با بلای خود بلاها را نمونه آورد، و با شادمانی خود آنان را به شادمانی رساند. در آغاز شب به سلامت گذشت، اما در صبحگاهان با مصیبتی جانکاه بازگشت، تا مشتاق کند، و تهدید نماید، و بترساند، و هشدار دهد. پس مردمی در بامداد با پشیمانی، دنیا را نکوهش کنند، و مردمی دیگر در روز قیامت آن را می‌ستایند، دنیا حقایق را به یادشان آورد، یادآور آن شدند، از رویدادها برایشان حکایت کرد، او را تصدیق کردند، و اندرزشان داد، پند پذیرفتند.

(۱۳۲) و درود خدا بر او، فرمود: خدا را فرشته‌ای است که هر روز بانگ می‌زند، بزاید برای مردن، و فراهم آورید برای نابود شدن و بسازید برای ویران گشتن.

(۱۳۳) و درود خدا بر او، فرمود: دنیا گذرگاه عبور است، نه جای ماندن؛ و مردم در آن دو دسته‌اند: یکی آن که خود را فروخت و به تباهی کشاند، و دیگری آن که خود را خرید و آزاد کرد.

(۱۳۴) و درود خدا بر او، فرمود: دوست، دوست نیست مگر آن که حقوق برادرش را در سه جایگاه نگهبان باشد: در روزگار گرفتاری، آن هنگام که حضور ندارد، و پس از مرگ.

(۱۳۵) و درود خدا بر او، فرمود: کسی را که چهار چیز دادند، از چهار چیز محروم نباشد: با دعا از اجابت کردن، با توبه از پذیرفته شدن، با استغفار از آموزش گناه، با شکرگزاری از فزونی نعمت‌ها. می‌گوییم: (و این حقیقت مورد تصدیق کتاب الهی است که در مورد دعا گفته است: «مرا بخوانید تا خواسته‌های شما را بپردازم». «قرآن کریم، سوره مؤمن، آیه ۶۰» در مورد استغفار گفته است: «هر آن که به بدی دست یابد یا بر خود ستم روا دارد و از آن پس به درگاه خدا استغفار کند، خدای را آمرزش‌گر و مهربان یابد». «قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۱۰» در مورد سپاس فرموده است: «بیشک اگر سپاس گزاری، بر نعمت می‌افزایم». «قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۷» و در مورد توبه فرموده است: «تنها توبه را خداوند از کسانی می‌پذیرد که از سر نادانی به کار زشتی دست می‌یابند و تا دیر نشده است باز می‌گردند، تنها چنین کسانی که خداوند در موردشان تجدید نظر می‌کند، که خدا دانا و حکیم است». «قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۷».

(۱۳۶) و درود خدا بر او، فرمود: نماز، موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست و حج، جهاد هر ناتوان است. هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن، روزه و جهاد زن، نیکو شوهرداری است.

(۱۳۷) و درود خدا بر او، فرمود: روزی را با صدقه دادن فرود آورید.

(۱۳۸) و درود خدا بر او، فرمود: آن که پاداش الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است.

(۱۳۹) و درود خدا بر او، فرمود: کمک الهی به اندازه نیاز فرود می‌آید.

(۱۴۰) و درود خدا بر او، فرمود: آن که میانه‌روی کند، تهیدست نمی‌شود.

(۱۴۱) و درود خدا بر او، فرمود: اندک بودن تعداد زن و فرزند یکی از دو آسایش است.



(۱۴۲) و درود خدا بر او، فرمود: دوستی کردن، نیمی از خردمندی است.

(۱۴۳) و درود خدا بر او، فرمود: اندوه‌خوردن، نیمی از پیری است.

(۱۴۴) و درود خدا بر او، فرمود: صبر به اندازه مصیبت فرود آید و آن که در مصیبت بی‌تاب بر رانش زند، اجرش نابود می‌گردد.

(۱۴۵) و درود خدا بر او، فرمود: بسا روزه‌داری که بهره‌ای جز گرسنگی و تشنگی از روزه‌داری خود ندارد، و بسا شب زنده‌داری که از شب زنده‌داری چیزی جز رنج و بی‌خوابی به دست نیاورد! خوشا خواب زیرکان و افطارشان!.

(۱۴۶) و درود خدا بر او، فرمود: ایمان خود را با صدقه دادن، و اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید، و امواج بلا را با دعا از خود دور سازید.

(۱۴۷) (کمیل بن زیاد می‌گوید: امام علی علیه السلام دست مرا گرفت و به سوی قبرستان کوفه برد، آنگاه آه پُردردی کشید و فرمود:) ای کمیل بن زیاد! این قلب‌ها بسان ظرف‌هایی هستند، که بهترین آنها، فراگیرترین آنهاست، پس آنچه را می‌گویم نگاهدار: مردم سه دسته‌اند: دانشمند الهی، و آموزنده‌ای بر راه رستگاری، و گروهی مثل پشه‌هایی که دست خوش باد و طوفان هستند و همیشه سرگردانند، که به دنبال هر سر و صدایی می‌روند، و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند؛ نه از روشنائی دانش نور گرفتند، و نه به پناهگاه استواری پناه بردند. ای کمیل! دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است، و مال را تو باید نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد؛ و مقام و شخصیتی که با مال به دست آمده با نابودی مال، نابود می‌گردد.

ای کمیل بن زیاد! شناخت علم راستین (علم الهی) آیینی است که به‌خاطر آن پاداش داده می‌شود، و انسان در دوران زندگی



با آن خدا را اطاعت می‌کند، و پس از مرگ، نام نیکو به یادگار گذارد. دانش، فرمانروا و مال فرمانبر است. ای کمیل! ثروت اندوزان بی‌تقوا مرده‌اند، گرچه به ظاهر زنده‌اند، اما دانشمندان، تا دنیا برقرار است زنده‌اند، بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دلها همیشه زنده است. بدان که در اینجا (اشاره به سینه مبارک کرد) دانش فراوانی انباشته است، ای کاش کسانی را می‌یافتم که می‌توانستند آن را بیاموزند. آری تیزهوشانی می‌یابم، اما مورد اعتماد نمی‌باشند، دین را وسیله دنیا قرار داده و با نعمت‌های خدا بر بندگان، و با برهان‌های الهی بر دوستان خدا فخر می‌فروشند. یا گروهی که تسلیم حاملان حق می‌باشند اما ژرف اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند، که با اولین شبهه‌ای، شک و تردید در دلشان ریشه می‌زند؛ پس نه آنها و نه اینها، سزاوار آموختن دانش‌های فراوان من نمی‌باشند. یا فرد دیگری که سخت در پی لذت بوده، و اختیار خود را به شهوت داده است، یا آن که در ثروت اندوزی حرص می‌ورزد، هیچ‌کدام از آنان نمی‌توانند از دین پاسداری کنند، و بیشتر به چهارپایان چرنده شباهت دارند، و چنین است که دانش، با مرگ دانشمندان می‌میرد. آری! خداوند! زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نیست، که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته شده، یا بيمناك و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود، و نشانه‌هایش از میان نرود. تعدادشان چقدر و در کجا هستند؟ به خدا سوگند! که تعدادشان اندك، ولی نزد خدا بزرگ مقدارند، که خدا به وسیله آنان حجت‌ها و نشانه‌های خود را نگاه می‌دارد، تا به کسانی که همانندشان هستند بسپارد، و در دل‌های آنان بکارد، آنان که دانش، نور حقیقت‌بینی را بر قلبشان تابانده و روح یقین را دریافته‌اند، که آنچه را خوش‌گذران‌ها دشوار می‌شمارند، آسان گرفتند، و با آنچه که ناآگاهان از آن هراس داشتند انس گرفتند.



در دنیا با بدن‌هایی زندگی می‌کنند، که ارواحشان به جهان بالا پیوند خورده است، آنان جانشینان خدا در زمین، و دعوت‌کنندگان مردم به دین خدایند. آه! آه! چه سخت اشتیاق دیدارشان را دارم! کمیل! هرگاه خواستی باز گرد.

(۱۴۸) و درود خدا بر او، فرمود: انسان زیر زبان خود پنهان است. (۱۴۹) و درود خدا بر او، فرمود: نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست. (۱۵۰) (مردی از امام درخواست اندرز کرد) و درود خدا بر او، فرمود: مانند کسی مباش که بدون عمل صالح به آخرت امیدوار است، و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازد، در دنیا چونان زاهدان سخن می‌گوید، اما در رفتار همانند دنیاپرستان است، اگر نعمت‌ها به او برسد سیر نمی‌شود، و در محرومیت قناعت ندارد، از آنچه به او رسید شکرگزار نیست، و از آنچه مانده زیاده طلب است. دیگران را پرهیز می‌دهد اما خود پروا ندارد؛ به فرمان‌برداری امر می‌کند اما خود فرمان نمی‌برد، نیکوکاران را دوست دارد، اما رفتارشان را ندارد؛ گناهکاران را دشمن دارد اما خود یکی از گناهکاران است، و با گناهان فراوان مرگ را دوست نمی‌دارد، اما در آنچه که مرگ را ناخوشایند ساخت پافشاری دارد، اگر بیمار شود پشیمان می‌شود، و اگر تندرست باشد سرگرم خوشگذرانی‌هاست؛ در سلامت مغرور و در گرفتاری ناامید است؛ اگر مصیبتی به او رسد به زاری خدا را می‌خواند. اگر به گشایش دست یافت مغرورانه از خدا روی بر می‌گرداند. نفس او با نیروی گمانِ ناروا، بر او چیرگی دارد، و او با قدرت یقین بر نفس خود چیره نمی‌گردد. برای دیگران که گناهی کمتر از او دارند نگران، و بیش از آنچه که عمل کرده امیدوار است. اگر بی‌نیاز گردد مست و مغرور شود، و اگر تهیدست گردد، مأیوس و سُست شود. چون کار کند در آن کوتاهی ورزد، و چون چیزی خواهد زیاده‌روی نماید، چون در برابر شهوت قرار گیرد گناه را برگزیده، توبه را به تأخیر اندازد، و چون رنجی به او رسد از راه ملت اسلام دوری گزیند؛ عبرت‌آموزی را طرح می‌کند، اما خود عبرت نمی‌گیرد؛



در پند دادن مبالغه می‌کند، اما خود پندپذیر نمی‌باشد. سخن بسیار می‌گوید، اما کردار خوب او اندک است! برای دنیای زود گذر تلاش و رقابت دارد، اما برای آخرت جاویدان آسان می‌گذرد؛ سود را زیان، و زیان را سود می‌پندارد؛ از مرگ هراسناک است، اما فرصت را از دست می‌دهد؛ گناه دیگری را بزرگ می‌شمارد، اما گناهان بزرگ خود را کوچک می‌پندارد؛ طاعت دیگران را کوچک و طاعت خود را بزرگ می‌داند؛ مردم را سرزنش می‌کند، اما خود را نکوهش نکرده با خود ریاکارانه برخورد می‌کند؛ خوشگذرانی با سرمایه‌داران را بیشتر از یاد خدا با مستمندان دوست دارد، به نفع خود بر زیان دیگران حکم می‌کند، اما هرگز به نفع دیگران بر زیان خود حکم نخواهد کرد، دیگران را هدایت، اما خود را گمراه می‌کند، دیگران از او اطاعت می‌کنند، و او مخالفت می‌ورزد، حق خود را به تمام می‌گیرد، اما حق دیگران را به کمال نمی‌دهد، از غیر خدا می‌ترسد، اما از پروردگار خود نمی‌ترسد!

می‌گوییم: (اگر در نهج‌البلاغه جز این حکمت وجود نداشت، همین یک حکمت برای اندرز دادن کافی بود، این سخن، حکمتی رسا، و عامل بینایی انسان آگاه، و عبرت آموز صاحب اندیشه است.)

(۱۵۱) و درود خدا بر او، فرمود: هر کسی را پایانی است؛ تلخ یا شیرین.
(۱۵۲) و درود خدا بر او، فرمود: آنچه روی می‌آورد، باز می‌گردد، و چیزی که باز گردد گویی هرگز نبوده است!
(۱۵۳) و درود خدا بر او، فرمود: انسان شکیب، پیروزی را از دست نمی‌دهد، هر چند زمان آن طولانی شود.

(۱۵۴) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که از کار گروهی خشنود باشد، چونان کسی است که همراه آنان بوده و هر کس که به باطلی روی آورد، دو گناه بر عهده او باشد: گناه کردار باطل، و گناه خشنودی به کار باطل.
(۱۵۵) و درود خدا بر او، فرمود: عهد و پیمان‌ها را پاس دارید به خصوص با وفاداران.

(۱۵۶) و درود خدا بر او، فرمود: خدای را اطاعت کنید که در نشناختن پروردگار عذری ندارید.

(۱۵۷) و درود خدا بر او، فرمود: اگر چشم بینا داشته باشید، حقیقت را نشانتان داده‌اند، اگر هدایت می‌طلبید، شما را هدایت کرده‌اند.



اگر گوش شنوا دارید، حق را به گوشتان خوانده‌اند.
(۱۵۸) و درود خدا بر او، فرمود: برادرت را با احسانی که در حق او می‌کنی سرزنش کن، و شر او را با بخشش بازگردان.
(۱۵۹) و درود خدا بر او، فرمود: کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند!

(۱۶۰) و درود خدا بر او، فرمود: هرکس قدرت به دست آورد (قدرت منهای دین)، زورگویی می‌کند.

(۱۶۱) و درود خدا بر او، فرمود: هر کس خودرأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد.
(۱۶۲) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست.

(۱۶۳) و درود خدا بر او، فرمود: فقر، مرگ بزرگ است!
(۱۶۴) و درود خدا بر او، فرمود: رعایت حق کسی که حق خویش را محترم نمی‌شمارد، نوعی بردگی اوست.

(۱۶۵) و درود خدا بر او، فرمود: هیچ اطاعتی از مخلوق، در نافرمانی پروردگار روا نیست!

(۱۶۶) و درود خدا بر او، فرمود: مرد را سرزنش نکنند که چرا حقش را با تأخیر می‌گیرد، بلکه سرزنش در آنجاست که آنچه حقش نیست بگیرد.

(۱۶۷) و درود خدا بر او، فرمود: خودپسندی مانع رشد و فزونی است.
(۱۶۸) و درود خدا بر او، فرمود: آخرت نزدیک، و زمان ماندن در دنیا اندک است.

(۱۶۹) و درود خدا بر او، فرمود: صبحگاهان برای آن که دو چشم بینا دارد، روشن است.

(۱۷۰) و درود خدا بر او، فرمود: ترك گناه آسان‌تر از درخواست توبه است.

(۱۷۱) و درود خدا بر او، فرمود: بسا لقمه‌ای گلوگیر که از لقمه‌های فراوانی محروم می‌کند.



(۱۷۲) و درود خدا بر او، فرمود: مردم دشمن چیزهایی هستند که نمی‌دانند.
(۱۷۳) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.

(۱۷۴) و درود خدا بر او، فرمود: آن کس که دندان خشم در راه خدا بر هم فشارد، بر کشتن باطل‌گرایان توانمند گردد.

(۱۷۵) و درود خدا بر او، فرمود: هنگامی که از چیزی می‌ترسی، خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن سخت‌تر است.
(۱۷۶) و درود خدا بر او، فرمود: بردباری و تحمل سختی‌ها، ابزار ریاست است.

(۱۷۷) و درود خدا بر او، فرمود: بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار، آزار ده!
(۱۷۸) و درود خدا بر او، فرمود: بدی را از سینه دیگران، با کندن آن از سینه خود، ریشه کن نما!

(۱۷۹) و درود خدا بر او، فرمود: لجاجت، تدبیر را سُست می‌کند.

(۱۸۰) و درود خدا بر او، فرمود: طمع‌ورزی، بردگی همیشگی است.

(۱۸۱) و درود خدا بر او، فرمود: حاصل کوته فکری، پشیمانی، و حاصل دوراندیشی، سلامت است.

(۱۸۲) و درود خدا بر او، فرمود: آنجا که باید سخن درست گفت، در خاموشی خیری نیست، چنان که در سخن ناآگاهانه نیز خیری نخواهد بود.

(۱۸۳) و درود خدا بر او، فرمود: دو دعوت به اختلاف نرسد جز این که یکی باطل باشد!

(۱۸۴) و درود خدا بر او، فرمود: از روزی که حق برای من نمایان شد، هرگز دچار تردید نشدم!

(۱۸۵) و درود خدا بر او، فرمود: هرگز دروغ نگفتم و به من دروغ نگفتند، و هرگز گمراه نشدم، و کسی به وسیله من گمراه نشده است.

(۱۸۶) و درود خدا بر او، فرمود: آغازکننده ستم، در قیامت انگشت به دندان می‌گزد.

(۱۸۷) و درود خدا بر او، فرمود: کوچ کردن نزدیک است!



(۱۸۸) و درود خدا بر او، فرمود: هرکس که با حق درآویزد، نابود می‌گردد.

(۱۸۹) و درود خدا بر او، فرمود: کسی را که شکیبایی نجات ندهد، بی‌تابی او را هلاک گرداند.

(۱۹۰) و درود خدا بر او، فرمود: شگفتا! آیا معیار خلافت، صحابی پیامبر بودن است؟، اما صحابی بودن و خویشاوندی ملاک نیست؟. (از امام شعری در همین مسئله نقل شد که به ابابکر فرمود: «اگر ادعا می‌کنی با شورای مسلمین به خلافت رسیدی، چه شورایی بود که رأی دهندگان حضور نداشتند؟ و اگر خویشاوندی را حجت می‌آوری، دیگران از تو به پیامبر نزدیک‌تر و سزاوارترند.»

(۱۹۱) و درود خدا بر او، فرمود: همانا انسان در دنیا، تخته نشانه‌گیری تیرهای مرگ، و ثروتی است دست‌خوش تاراج مصیبت‌ها، با هر جرعه نوشیدنی، اندوهی گلوگیر و در هر لقمه‌ای، استخوان شکسته‌ای قرار دارد، و بنده نعمتی به دست نیاورد، جز آن که نعمتی از دست بدهد، و روزی به عمرش افزوده نمی‌گردد، جز با کم شدن روزی دیگر! پس ما یاران مرگیم و جان‌های ما هدف نابودی‌ها، پس چگونه به ماندن جاودانه امیدوار باشیم؟. در حالی که گذشت شب و روز بنایی را بالا نبرده، جز آن که آن را ویران کرده، و به اطراف پراکنده کند!.

(۱۹۲) و درود خدا بر او، فرمود: ای فرزند آدم! آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، برای دیگران اندوخته‌ای.

(۱۹۳) و درود خدا بر او، فرمود: دل‌ها را روی آوردن و پشت کردنی است، پس دل‌ها را آنگاه به کار وا دارید که



خواهشی دارند و روی آوردنی، زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری کور می‌گردد.

(۱۹۴) و درود خدا بر او، فرمود: چون خشم گیرم، کی آن را فرو نشانم؟ در آن زمان که قدرت انتقام ندارم، که به من بگویند. «اگر صبر کنی بهتر است» یا آنگاه که قدرت انتقام دارم؟ که به من بگویند: «اگر عفو کنی خوب است».

(۱۹۵) (در سر راه از کنار زباله‌دانی عبور می‌کرد،) و درود خدا بر او، فرمود: این همان است که بخیلان به آن بخل می‌ورزند! (و در روایت دیگری نقل شد که) این چیزی است که دیروز بر سر آن رقابت می‌کردید!

(۱۹۶) و درود خدا بر او، فرمود: مالی که نابودی آن تو را پند می‌دهد، از دست نرفته است.

(۱۹۷) و درود خدا بر او، فرمود: این دل‌ها همانند تن‌ها خسته می‌شوند، برای نشاط آن به سخنان تازه حکیمانه روی بیاورید.

(۱۹۸) (وقتی شنید که خوارج می‌گویند: حکومت فقط از آن خداست) و درود خدا بر او، فرمود: سخن حقی است که از آن اراده باطل دارند.

(۱۹۹) (در توصیف جمع اوباش، فرمود:) آنان چون گرد هم آیند پیروز شوند، و چون پراکنده شوند شناخته نگردند. (و گفته شد که امام فرمود:) آنان چون گرد هم آیند زیان رسانند، و چون پراکنده شوند سود دهند. (از امام پرسیدند: چون اوباش گرد هم آیند زیان رسانند را دانستیم، اما چه سودی در پراکندگی آنان است، فرمود:) صاحبان کسب و کار، و پیشه‌وران به کارهای خود باز می‌گردند، و مردم از تلاش آنان سود برند، بنا به ساختن ساختمان، و بافنده به کارگاه بافندگی، و نانوا به نانوايي روی می‌آورد.

(۲۰۰) (جنایتکاری را حضور امام آوردند، که جمعی اوباش همراه او بودند،) و درود خدا بر او، فرمود: مبارك مباد، چهره‌هایی که جز به هنگام زشتی‌ها دیده نمی‌شوند.

